

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جون ۲۰۱۹

"عبدالله" چرا نباید استعفاء بدهد!؟

دوشنبه- ۱۳ جوزا ۱۳۹۸- کابل: در این اواخر و به دنبال تشدید انتقادات مخالفان "غنی احمدزی" علیه شرکت سهامی "غنی-عبدالله" و توهین و تحقیری که "غنی احمدزی" همه روزه علیه "عبدالله عبدالمود" روا می دارد، زمزمه ها و سروصدا هائی در حالت اوج گرفتن است، که چرا "عبدالله استعفاء نمی دهد". در یادداشت امروز توجه شما را به پاسخ خودم در زمینه جلب می نمایم:

۱- بدون آن که قصد اهانت به کسی را داشته باشم، صریحاً می نگارم: تمام آنهایی که از "عبدالله" توقع دارند استعفاء دهد با تأسف یا شناخت شان از "عبدالله" ناقص و محدود است و یا هم درک خودشان از سیاست و سیاستبازی های مروج در افغانستان. یعنی:

الف- تاجائی که به شناخت شان از "عبدالله" بر می گردد، آنها نمی دانند که "عبدالله" به چه نیت و به چه هدف و مقصود خود را کاندید نموده بود. این عده خود را با اهدافی که خود نزدشان معین نموده اند می یابند و زمانی که "عبدالله" را در آن آئینه ذهنی مانند خود تصور می نمایند، چنین تقاضائی از "عبدالله" می نمایند.

ب- و اما به ارتباط سیاست و سیاستبازی در افغانستان، با تأسف این جمع بیش از آن که مبنای حرکت شان را واقعیت های افغانستان و برداشت سیاستمداران افغانستان از امر سیاست بسازد، باز هم در دنیای تخیلات شان سیاست می نمایند و چون نقش "عبدالله" را در آن تخیلات نمی یابند، انتظار دارند تا "عبدالله" استعفاء دهد. در حالی که:

۲- "عبدالله" به نسلی تعلق دارد که فهمیده و قبول نموده اند که آسانترین و کوتاهترین راه رسیدن به تمام آرزوهای مادی و معنوی شان، غوطه زدن در لجنزار است که امروز در افغانستان به نام دنیای سیاست و سیاست ورزی نامیده می شود. چنین طرز دیدی به انسانی که قصد شیرجه رفتن به لجنزار را دارد، می آموزد:

الف- باید از ناموس، عزت، شرف و حیثیت خود بگذرد،

ب- باید هدفش از غوطه ور شدن در لجنزار، رسیدن به آرزوهای فردی خودش یعنی مقام، پول، امکانات، زن، خانه و فرصت های بیشمار برای عیاشی و ولگردی باشد،

پ- هیچ گاهی و در تحت هیچ شرایطی، به کشور و سر بلندی آن و مردم و رفاه آنها فکر نکند،

ت- حاضر باشد جهت رسیدن به یک منصب و حفظ آن از همه چیز حتا از نوامیس فردی و ملی بگذرد،

ث- کمترین احساس بدی از تحقیر و توهین نداشته باشد، این را بپذیرد که تحقیر و بی حرمتی در ازای رسیدن به مقام و منصب لازم و ملزوم یک دیگر اند. و...

۳- وقتی از چنین منظری به قضیه نگریسته شود متوجه می شویم که "عبدالله" بسیار آگاهانه فعالیت سیاسی را کوتاهترین و آسانترین راه رسیدن به ثروت و شهرت تشخیص داده و بدان تشبث ورزیده است، در نتیجه از خیرات همین سیاست، امروز در ازای فقدان شرف، حیثیت، وجدان و ناموس، همه چیز دارد. خانه دارد، موتر های رنگارنگ دارد، شب نشینی های آنچنانی در "قصر سپیدار" دارد، پول و دارائی اش آنقدر است که نسل های بعدش را نیز تضمین نماید. به گفته مردم "سر جوی طلا و نقره" نشسته است. چرا می باید استعفاء بدهد؟ استعفاء بدهد که چه به دست آورد؟ خودش بخوبی می داند که عملکردش در جریان ۵ سال در شرکت سهامی، نه تنها کمترین جایگاهی برایش در بین مردم حتا همان شورای نظاری ها و متحدان دیروزش نمانده، بلکه یکی از محراقهای نفرت مردم نیز شده است، در نتیجه اگر استعفاء بدهد نه تنها آینده اش کاملاً تاریک است و چه بسا قبل از فرار مورد مؤاخذه قرار گیرد بلکه "جوی طلای و نقره" کنونی نیز از دسترسش خارج می گردد، چرا می باید استعفاء بدهد؟؟

۴- "عبدالله" ها، "غنی" ها، "کرزی" ها و سایر هممقامشان آنها کسانی هستند که با فروش خود و میهن و انداختن حلقه رقیت و بردگی بیگانگان به قدرت رسانده شده اند، انتظار استعفاء از آنها بیهوده ترین انتظاریست که می توان از فردی با چنان خصوصیتی داشت.

هموطنان گرامی!

آنهایی که از "عبدالله" می خواهند تا به مثابه ابراز ضدیت با حاکمیت فریب و کشتار "غنی احمدزی"، از کارش استعفاء بدهد، می باید خود مصممانه در میدان مبارزه داخل شده، چنان زمین را در زیر پای آنها به لرزه در آورد، که ناگزیر به فرار گردند.

سرکها ما را می طلبد!!